

روح سود پرستی آنهاست

که بلای جان جوانان ما شده

طوفانیست که در مدت زمانی بر روح و روان جوانان پاکدامن ایرانی میوزد، و غمت و پاکدامنی آنرا تهدید و بفتا و نابودی میکند.

آری اوراق و صفحاتیکه باید مریی فکری باشد و آنان را به مراحل سعادت و کمال سوق دهد، با منمکس نمودن تمثالهای بیروح و داستانهای مهیجی، شعله‌هایی از آتش را در درون آنان میافروزاند تا خرمین هستی و صفات نیک آنان را بآتش شهوت بسوزاند، و در نتیجه صفحه درخشنده فکر و عقل آنان را آلوده بسپاهیهای شهوت و ناپاکی بنماید.

آنچه را که می‌توان منشأ بروز و ظهور فساد در مطبوعات قرار داد، روح سود جوینان و طماع بشری است که بر اثر عدم تربیت مذهبی این روحیه در آنان قوی شده، و همیشه در فکر آنند تا ببینند از چه راهی می‌توانند بسر منزل مقصود! برسند.

ارباب مطبوعات در مغز خود خیال کاخهای آسمان خراش و استفاده از ماشینهای آخرین سیستم‌های پروراندند، حال برای نیل بمقصد هر گونه فسادی مترتب شود پاکی نیست.

اگرچه دامن جوانی آلوده شود و یا از کسب و کار و تحصیلش بازماند، و یا قلب لطیف و دوشیزه بیگناهی بر اثر خواندن این داستانها تیره شود و او را از جاده عفاف خارج کند، و یا جوانی بر اثر خواندن این مطالب شهوت انگیز بدامن آلوده و ناپاک زنان آلوده پناهنده شود، و بهزاران گونه امراض مبتلا شود... غرض رسیدن بآمال و منافع شخصی است!

چه تفسیری دارد آن جوان خامی که از دوران کودکی بخواندن این مجلات خو گرفته و گمان میکند تسکین حرارت درونیش را می‌تواند، در لابلای این اوراق رنگین بیابد، اما بی‌خبر از آنکه این صفحات رنگین سمی است کشنده برای روح و ملکات

فاصله او ۱

عامل مؤثر برای جلوگیری از این وضع در درجه اول ایمان و پرهیزکاری است؛ و در مرتبه بعد قوه مجریه و دستگاه حاکمه است همان قوه مجریه اینکه توانست لایحه منع کشت خشخاش را اجراء کند، همان دستگاه هم می‌تواند لایحه منع صورقبیحه را به مرحله اجراء در آورد و بمقتیده ما اجراء این لایحه که فسادش پر روح و روان است ضروری تر است از تریاکی که ضررش متوجه برجسم و اعضاء است.

امید است بیاید روزیکه اولیاء امور بفکر نجات جوانان از این ورطه خطرناک بیافتند، و از نشر این داستانها جلوگیری کنند، و در عوض دستور درج داستانهای اخلاقی و راه و روش خوشبختی را بمطبوعات بدهد.

از سنندج - غلامحسین عزیزخانی

یا نمیدانند یا نمیخواهند بدانند

بگذارید قبل از هر چیز اینجانب نیز بنوبه خود از نشریه محترم «مکتب اسلام» یا چراغ راهنما بسوی خوشبختی برای عموم ملت ایران بخصوص جوانان تشکر و قدردانی نمایم. البته نشریات و مجلات هر مملکتی آئینه تمام نمای طرز افکار و میزان سنجش ترقیات آن ملت است، و بنده هر وقت درباره این موضوع که «فساد مطبوعات از چیست» فکر کرده‌ام علت و سببی مهمتر از کم اطلاعی گردانیدن مطبوعات بفکرم نرسیده و این ازدو حال خارج نیست یا این آقایان نمیدانند یا نمیخواهند بدانند زیرا چاپ اکثر مجلات (منهای تعداد معدودی از آنها) با تقلید از کشورهای اروپایی که اصلاً با ما از هیچ لحاظی قابل مقایسه نیستند صورت میگیرد، مثلاً چاپ این خبر هیچ مردی نیست که باین زن دلباخته نباشد، یا چاپ عکس لخت یا نیمه لخت فلان هنرپیشه با اصطلاح ستاره سینما در یکی از صفحات خود با شرح و بسطهایی که تماماً هادی جوانان بسوی انحرافات اخلاقی است، چه نتیجه‌ای دارد؟ که اسمش را هم تبلیغات میگذارند! اگر این آقایان واقماً مطلع باشند که پر کردن صفحات مجلات خویش با درج اینگونه مطالب علاوه بر اینکه دردی از دردهای اجتماع را دوا نمیکند ضررت مهلکی است که بر پیکر نسل جوان فرود میآید اگر گردانندگان مطبوعات میدانستند یا میخواستند بدانند خواهی نخواهی دست از این رویه برداشته بجای نشر اخباری از این قبیل اهمیت پاکدامنی، درستکاری را منتشر مینمودند یا بجای اینکه بگویند «فلان دختر خارجی

برای معشوقه اش خودکشی کرده .

خوب بود مضرات نوشابه های الکلی و زیان خودکشی را با دلایل منطقی چاپ نمایند بنظر اینجانب مجلات امروز کشور ما البته منهای بعضی از آنها برای جامعه اسلامی مضر و زیان بخش است زیرا درج این گونه مطالب احساسات پاک جوانان را کشته شعله های سوزنده ای در مغز آنها مشتعل میکند و شاهکارهای سینما و نوابغ عالم هنر را بجوانان معرفی کردن و مردم را بسوی خیانت و قتل و خودکشی دعوت کردن دردی از این اجتماع رادوا نمیکند چه خوبست مقامات صلاحیت دار فکری در این مورد برای نجات جامعه ما بنمایند.
بامید آینده درخشان

آقای م - دیباجی

میل مردم بفساد بر فساد مطبوعات میافزاید

ناشرین اکثر مجلات، تنها منظورشان بالا بردن تیراژ مجله، و افزودن بر تعداد خوانندگان است، و قطعی است هنگامی میتوانند بر تیراژ مجله و کثرت خوانندگان بیفزایند، که مجله خود را بمیل مردم انتشار دهند، و چون بیشتر مردم و خصوصاً جوانان، بداستانها و رومانهای عشقی عکسهای فریبنده، علاقه زیادتری نشان میدهند، بهمین علت صفحات مجله خود را از اینگونه مطالب و عکسها پر کرده، و در نتیجه بر تعداد مشتریان خود میافزایند، چنانچه دیده شده نشریاتی که دارای عکسهای زنان لخت و مقالات شهوت انگیز باشد، از لحاظ تیراژ مجله ای که فاقد آنها باشد، قابل مقایسه نیست!

این موضوع نه تنها منحصر بمطبوعات است، بلکه سینماها هم هنگامیکه فیلم شهوت انگیزتری را نمایش میدهند، بر تعداد مشتریان آن فیلم افزوده میشود. کاباره ها و تئاترها هر اندازه مهیج تر باشد، مردم بی بندوبار و رغبت بیشتری بر رفتن در آن اماکن فساد از خود نشان میدهند، رادیو هنگامیکه سخنرانی دینی یا اجتماعی اجراء میکند، کمتر بدان توجه میشود، ولی موقع اجراء یک نمایش و یا برنامه یکی از خوانندگان، بیشتر میل بشنیدن آن پیدا میکنند، و فساد مطبوعات نیز از میل و علاقه اکثر مردم بفساد سرچشمه میگیرد.

بدیهی است، هر قدر جلوی اینگونه فسادها گرفته نشود، مانند سرطان در میان تمام افراد مملکت ریشه می دواند، و جامعه را در کام شهوت فرو میبرد، و این وظیفه اولیای امور است که برای مبارزه با فساد، اقدامات اساسی نموده و از توسعه آن جلوگیری کنند.

يك علت بیش ندارد

اگر اندکی تأمل در اطراف این موضوع بکنیم می بینیم که این همه فساد مطبوعات يك علت بیش ندارد، ولو اینکه در مرحله اولی دو علت بنظر میرسد اول تمایلات خوانندگان آنها و جوانان است زیرا که مردم خصوصاً طبقه جوان اگر از چنین مطبوعات مسموم استقبال نکنند، صاحبان جراید و مطبوعات ناچار به خود آمده و دست از ترویج فحشاء و منکر خواهند کشید، البته بر این ادعا شاهی هم از قول یکی از ناشرین مطبوعات دارم:

روزی نگارنده با یکی از صاحبان مجله صحبت میکردم از بدی وضع مجله صحبت بمیان آمد جوایبیکه نویسنده از او شنید عبارت بود از اینکه آقای محترم گفتار حضرتعالی را تصدیق میکنم و منمهم میدانم که این قسم مطبوعات مردم را از جاده مستقیم هدایت بآخرین درجه ضلالت میکشد اما چه کنم اگر روزی از عکسهای شهوت انگیز و ستاره های سینما کم چاپ کنیم صدی پنجاه در فروش مجله تفاوت میکند! و کاغذهایی میرسد که آقا پس چرا عکس فلان ستاره امریکائی و یا عکس فلان زن فرانسوی را درج نمیکنید! لذا ما برای اینکه هم مجله بیشتر بفروش برسد و هم خواهشهای دوستان خود را بر آوریم دست باین کارها میزنیم، همینکه حرف باینجا رسید عرض کردم آقا بنده باور نمیکنم اکثر این جور مکاتبات بقول خودتان از دوستانتان میرسد، بلکه اگر خوب دقت کنید و سراغ بگیرید خواهید دانست که اکثر این کاغذها از دشمنان دین و استقلال شاست نه از دوستانتان

واضح شد که این همه مفاسد بیکه در مطبوعات دیده میشود منشأش اولاً ضعف ایمان صاحب مجله و ثانیاً بی مبالائی خوانندگان آنهاست.

علت دوم که واقعاً علت حقیقی می باشد ناشی از بی توجهی اولیای امور و در فکر اصلاح نبودن آنهاست؛ زیرا واضح است بعد از آنکه سرباز را خواب برد بیگانه وارد مملکت خواهد شد و بعد از آنکه اولیای امور توجهی بوضع مطبوعات نکردند، بدتر از این هم میشود تا حال که ده ها سال است اسباب تبلیغاتی بر علیه تعلیم و تربیت صحیح کار کرده، اگر اولیای امور یکماه همین اسباب تبلیغاتی را در اختیار مریبان دلسوز بگذارند اصلاحات و فوایدی به آنها در عرض یکماه مرتب می شود که زیادتر خواهد بود از مفاسدی که در عرض سالها از بیدی وضع و سائل تبلیغاتی پیدا شده است، پس معلوم می شود که علت حقیقی فساد مطبوعات همان عدم توجه اولیای امور است و پس زیرا که اینها هستند که قدرت دارند می توانند جلو تمامی مشتریان انحراف آمیز مردم را بگیریند، امید است انشاء الله اولیای امور توجه بیشتری بکنند بلکه مطبوعات بوضع بهتری در بیایند.